

به یاد آن که خاموش شد

کاوه دهگان

سرگذشت او، جلد یازدهم "ده رمان بزرگ جهان" بود!

کاوه دهگان مترجم و نویسنده نامدار و فرزند سید محمد دهگان صاحب امتیاز روزنامه "حقیقت"، ارگان اولین اتحادیه های کارگری ایران، پس از بیماری طولانی در منزل مسکونی خود در تهرانپارس جمعه ۱۹ دی ماه ۱۳۸۷ در گذشت. دهگان در سال ۱۳۰۱ در شهر بابل به دنیا آمد. کودکی و نوجوانی خود را در بابل و پس از آن در خرم آباد گذراند. از شهر بابل خاطرات خوشی داشت که همیشه بر زبانش بود. کودکی و نوجوانی اش در شهرستان بابل رضاشاهی و در همسایگی خانواده همسر آینده احسان طبری به نام بی نیاز گذشته بود. کاوه دهگان از کودکی هم بازی دخترک شیطانی به نام آذر بی نیاز شد که پس از شهریور بیست با احسان طبری پیمان زناشویی بست. دهگان همیشه از شخصیت والای مادر همسر طبری سخن می گفت که چگونه با چنگ و دندان بار سنگین و کمرشکن پرورش دو دختر را بدون حضور پدر بر دوش کشیده بود. خانواده بی نیاز بعدها به تهران مهاجرت کردند و دست روزگار احسان طبری بازگشته از زندان و تبعید رضاشاهی را مستاجر خانواده عبدالرزاق بی نیاز در تهران کرد. البته سال ها بود که عبدالرزاق بی نیاز درگذشته بود و سرپرستی خانواده با همسر دلسوزش بود. این هم خانگی به آشنایی و ازدواج احسان طبری و آذر بی نیاز منجر شد. آذر تا آخرین روز حیات پای میثاقی که با طبری جوان در تهران ۱۳۲۳ بسته بود ایستاد. نامه شکوائیه ای که پس از بازداشت طبری برای آیت الله منتظری نوشت، هنوز پس از گذشت سال ها تن انسان را می لرزاند. دوستی عمیق کاوه دهگان و احسان طبری نیز از همین خانه خانواده بی نیاز در تهران آغاز گشت.

دهگان ادامه نوجوانی را در شهر عشایری خرم آباد گذراند که تازه از سرکوب خشن نظامی کمر راست می کرد. پدرش، سید محمد دهگان، در خرم آباد با سمت ریاست اداره پنبه به شغلی بسیار کمتر از لیاقتش مشغول بود. کاوه دهگان در خرم آباد با اشخاصی آشنا شد که بعدها توانستند نقشی در تاریخ معاصر ایفا کنند. چند تن از آنها در حیات اجتماعی معاصر نامدار شدند. عبدالحسین زرین کوب، عبدالمحمد آیتی، سید جعفر شهیدی و غلام حسن قائم پناه. عبدالحسین زرین کوب جوان توده ای بروگردی و شاگرد اول رشته ادبی در ایران بود که به دبیری ادبیات در خرم آباد مشغول بود. دوستی کاوه دهگان و عبدالحسین زرین کوب پنجاه سال به طول انجامید. عبدالمحمد آیتی نیز از معلمان توده ای خرم آباد بود. غلام حسن قائم پناه پسر افسری از لشکر لرستان بود. دهگان همیشه از پدر قائم پناه به عنوان "افسر مفلوکی" از لشکر رضا شاه نام می برد و برای غلام حسن قائم پناه هم ارج چندانی قائل نبود. قائم پناه بعدها در جریان سرکوب حزب در سال ۱۳۶۱ سقوط اخلاقی و روحی پیش بینی نشده ای کرد.

دهگان پس از شهریور بیست در عرصه مطبوعات توده ای خوش درخشید. او این موفقیت را همیشه مرهون هم نشینی و شاگردی احسان طبری می دانست. بارها می گفت "طبری بود که به من تیتیر زدن و روزنامه نگاری را آموخت". دهگان طبری را معلم اصلی خود در نویسندگی، ترجمه و روزنامه نگاری می شمرد. کاوه دهگان در دوران اعتلای جنبش توده ای در روزنامه های وابسته به حزب توده ایران قلم زد و به گفته خودش "عضو هیئت تحریریه روزنامه مردم، مدیر داخلی ماهنامه مردم، ماهنامه پیک صلح و ستاره صلح و هفته نامه صلح پایدار" بوده است. فضای آزاد پس از شهریور بیست دهگان را مانند بسیاری

از جوانان آن روز پر پرواز داده بود. متأسفانه این پرواز دیری نپائید و کودتای ۲۸ مرداد بال بسیاری از جوانان و از آن جمله کاوه دهگان را چید. گروهی چون نصرت رحمانی در "غبار گم شدند" و شماری هم در مرداب الکل غرقه گشتند. افرادی هم که در شکنجه گاه نادم شده بودند، به صف مقابل پیوستند و بر راه رفته نفرین کردند و صفحات مجله "عبرت" را از مطالبی از این دست آکنند. کاوه دهگان از این سنخ نبود. اگر چه پس از کودتای ۲۸ مرداد سیاست را فرو نهاد، ولی تا پایان عمر در اندیشه خود به جنبش چپ و عدالت اجتماعی وفادار ماند.

دهگان پس از ۲۸ مرداد علاوه بر دبیری دبیرستان به ترجمه و کار مطبوعاتی روی آورد. در سال ۱۳۳۴ به کار معلمی اش در وزارت فرهنگ آن روز پایان داده شد و به عنوان مترجم روزنامه کیهان مشغول کار گردید. در کیهان تا سردبیری سرویس خارجه ارتقاء یافت. کیهان آن سال ها از پشتیبانی گروهی از نویسندگان حرفه ای و روزنامه نویسان چیره دست برخوردار بود که هم در نگارش فارسی و هم در حرفه مطبوعاتی خبره بودند. کسانی مانند کاوه دهگان، جهانگیر افکاری، نصیر امینی، عبدالله گله داری، حسام الدین امامی، صدرالدین الهی، رضا مرزبان، خسرو شاهانی و نصرت الله نوح در تحریریه کیهان کار می کردند. کیهان همچنین موفق شده بود همکاری برخی از نویسندگان نامی ایران را جلب کند. کسانی مانند احمد شاملو، جلال آل احمد، محمود اعتمادزاده (به آذین)، اسماعیل خویی، علی اصغر حاج سید جوادی، منوچهر آتشی، نصرت رحمانی و بسیاری دیگر با صفحات ادبی کیهان یا ضمیمه های فرهنگی آن همکاری داشتند. دهگان در سال ۱۳۵۰ سردبیر سرویس خارجی رادیو تلویزیون ملی ایران شد و در سال ۱۳۵۵ نیز در خبرگزاری پارس به کار تدریس مشغول گردید. دهگان در سال ۱۳۴۹ همراه سایر نویسندگان ایران به بازداشت فریدون تنکابنی اعتراض کرد و اعلامیه کانون نویسندگان ایران به رهبری زنده یاد به آذین را امضا نمود. شرح این ماجرا با تمام حواشی در کتاب "میهمان این آقایان" به آذین آورده شده است.

کاوه دهگان علاوه بر روزنامه نگاری در ترجمه نیز دست توانایی داشت و شماری از بهترین ترجمه های روزگار ما از قلم او تراویده است، از جمله ترجمه شگفت انگیزه "ده رمان بزرگ جهان" اثر "سامرست موام" که بارها در ایران تجدید چاپ شد. از دیگر آثار او:

- ۱- هنر چیست؟ - لئون تولستوی
- ۲- ظهور و سقوط رایش سوم - ویلیام شاپیرر
- ۳- خاطرات آیدن - آنتونی آیدن
- ۴- اخگر انقلاب ها - مجموعه مقالات
- ۵- خاطرات یک جاسوس - بروس لکهارت

کاوه دهگان پس از انقلاب از رادیو تلویزیون ملی ایران کناره گرفت و تا پایان عمر از راه قلم و بدون حقوق بازنشستگی زندگی را گذراند. یاد این نویسنده و مترجم توده ای گرامی باد!